

«۵ بهمن ۱۳۵۷»

روزنامه‌های صبح گزارش دادند که امام خمینی (ره) احتمالاً فردا «جمعه» طبق قرار قبلی به تهران نخواهند آمد. دولت بختیار تمام فرودگاههای ایران را برای سه روز بسته است و به هیچ هواپیمایی اجازه پرواز یا فرود نمی‌دهد. از دیروز فرودگاه مهرآباد در محاصره تانکهاست. از سوی سیل جمعیت از شهرهای مختلف ایران برای استقبال امام خمینی به تهران آمدند اما فرودگاه همچنان بسته است.

«۷ بهمن ماه ۱۳۵۷»

مردم از ساعت ۵ صبح به خیابانها ریختند و جمعیتی حدود یک میلیون نفر از جاده قم به طرف گورستان بهشت زهرا به حرکت درآمدند. این عده با شعارهای «مرگ بر شاه» «بختیار نوکر بی اختیار» و... به راهپیمایی خود ادامه دادند. در کمیته راهپیمایان در نقاط مختلف بهشت زهرا بلندگوهای چند شاخه‌ای نصب کرده بودند و عده‌ای از علما به سخنرانی پرداختند. سپس در قطعنامه‌ای نسبت به جلوگیری بختیار از سفر امام خمینی (ره) به ایران، اعتراض مردم را اعلام کردند و همچنین به استحکام جبهه‌های انقلابی در برابر حیل‌های دستگاه وادامه راه تا وصول هدف و نابودی رژیم و شاه تاکید شد.

تعداد شهدای تبریز و سنج از صدها نفر نیز گذشته است و هر روز، چهره واقعی دولت پوشالی بختیار نمایان تر می‌شود. تا امروز چندین روزنامه‌نگار دستگیر و زندانی شده‌اند. دولت، اعتصاب غذای عده‌ای از همافرا را تکذیب کرده است، ضمن اینکه ۴۸۵ نفر از خلبانان جوان را دستگیر و ۸۵ نفر آنها را به اعدام محکوم کرده است.

تظاهرکنندگان با کوبیدن پاهای خود به زمین با نظم خاصی به راهپیمایی خود جنبه رژه خصمانه داده‌اند. جوانان مشت‌های خود را گره کرده و با کوبیدن پا به زمین، فریاد کشان از رهبر خود اجازه جهاد می‌خواهند و شعار می‌دهند: «رهبر! ما را مسلح کنید.»

«۸ بهمن ماه ۱۳۵۷»

با بسته بودن فرودگاه تهران سفر امام خمینی به دو روز بعد موکول می‌شود. مردم منتظر و خشمگین به خیابانها می‌ریزند و فریادی می‌زنند: «وای به حالت بختیار، اگر خمینی دیر بیاد». تعدادی از روحانیون در دانشگاه تهران متحصن می‌شوند و اعلام می‌کنند تا گشوده شدن راههای هوایی، در مسجد دانشگاه تهران تحصن خواهند کرد. امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۸ صفر، خطاب به علمای ایران گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجج اسلام تهران و سایر شهرستانها دامت برکاتهم.

آنچه ذکر شده است که شاهپور بختیار را با سمت نخست وزیری من می‌پذیرم دروغ است بلکه تا استعفا ندهد او را نمی‌پذیرم. چون او را قانونی نمی‌دانم. حضرات آقایان به ملت ابلاغ فرمایید که توطنه‌ای در دست اجراست و از این امور جاریه گول نخورید من با بختیار تفاهمی نکرده‌ام و آنچه سابق گفته است که گفت و گو بین او و من بوده، دروغ محض است. ملت باید موضع خود را حفظ کنند و مراقب توطنه‌ها باشند. والسلام علیکم ورحمت‌الله.

روح‌الله الموسوی‌الخمينی



«۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۷»

تهران آشفته، غرق در دود و آتش است. کشتارها و قتل عامهای دست جمعی در تهران و شهرستانها هنوز ادامه دارد. دست‌ناپاک خیانتکار عمال بیگانه از آستین نوکرهای محمدرضا پهلوی درآمده است و ملت را به جرم آزادی خواهی و استقلال طلبی به عزا نشانده‌اند.

«۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷»

«فردا، دیدار با امام در تهران»

عنوان درشت روزنامه‌ها در ۱۱ بهمن ماه این جمله بود: «۹ صبح فردا، دیدار با امام در تهران» مردم منتظر و ملت‌هپ ایران به هیجان می‌آیند، جوانها آستین‌ها را بالا می‌زنند و به تمیز کردن مسیر راه می‌پردازند، زباله‌ها و لاستیک‌های سوخته را از سر راه برمی‌دارند. کنار جدولها و وسط خیابانها را جارو و آب‌پاشی می‌کنند و در تمام مسیر راه عکس‌هایی از امام نصب می‌کنند و شعارهایی می‌نویسند.

«۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷»

«خمینی می‌آید»

ساعت پنج صبح روز پنجشنبه در آخرین دقایق پایان حکومت نظامی طاغوتی، هزاران نفر از مردوزن و کودک به



سوی مسیرهایی راه افتادند که قبلاً از طرف کمیته استقبال از امام خمینی (ره) معین شده بود. این مسیرها همان جاده‌هایی بود که از دوروز قبل و بیشتر از یک سال پیش با خون جوانان گلگون شده بود و هزاران تن در راه آزادی که در کلمه‌ای به نام «خمینی» خلاصه می‌شود، جان داده بودند.

هنوز چیزی از ساعت ۹ نگذشته بود که موسیقی رادیو قطع شد و گوینده‌اش با لحنی خوش دربار امام حرف زد و تاریخچه زندگی ایشان را بیان کرد.

ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه بود که با هیجان گفت:

هواپیمای امام خمینی بر خاک ایران نشست.

در این هنگام غریب‌شادی راهپیمایان بر خاست و هزاران نفر با فریاد گفتند: «خمینی به خاک گلگون وطن خوش آمدی.» و بعد از چند دقیقه رادیو اعلام کرد: امام خمینی از هواپیما پیاده و بر یک مرسدس بنز سوار شد. ناگهان صدای گوینده رادیو قطع شد و فقط موسیقی پخش کردند.

مردم از این حرکت مدیران وابسته رادیو خشمگین شدند و شعارهای «مرگ بر بختیار» سر دادند. اما خبرها دهان به دهان گشت و مردم دانستند که امام ساعت ۹/۳۵ از هواپیما خارج شد و سپس فریادالله اکبر در محوطه فرودگاه و در سراسر تهران پیچید و بعد از اینکه مردم با شعارهایی خوشحالی خود را از آمدن امام اعلام کردند، امام نیز از مردم تشکر کردند که گزیده‌ای از آن را برای شما نقل می‌کنیم: «من از عواطف طبقات مختلف مردم تشکر می‌کنم و بار ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم. از قضایای گذشته جانفشانی کردند. تحمل زحمات کردند. از طبقه دانشجوین که در این مسائل مصایب دیدند از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند. از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند از اساتید دانشگاه، از قضات و وکلای دادگستری، از همه طبقات از کارمندان از کارگران از دهقانان از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم. آن زحمتهای فوق‌العاده شماس است که با وحدت کلمه پیروز شدید.»

استقبال تاریخی

از میدان آزادی تا بهشت زهرا ۷ تا ۸ میلیون نفر از مردم صف کشیده بودند تا ورود امام را خوشامد بگویند. مردم چنان ازدحام کرده بودند که ماشین حامل امام خمینی (ره) برای ورود به بهشت زهرا قادر نبود از میان جمعیت بگذرد، بنابراین ایشان را با هلی‌کوپتر به قطعه ۱۷، خانه شهدا بردند.

در طول راه مردم شعار می‌دادند «به خانه شهیدان خوش آمدی خمینی». امام را به جایگاهی که قبلاً در قطعه ۱۷ آماده شده بود، بردند و کودکی آیه‌ای از قرآن تلاوت کرد، سپس امام خمینی سخنرانی تاریخی خود را بیان کرد.

«۱۳ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

شب هنگام - ساعت ۲/۵ بامداد

دولت غیرقانونی بختیار از دیدن چنین استقبالی به لرزه در آمد و ابتدا سعی کرد با قطع برنامه رادیو و تلویزیون مخالفت خود را نسبت به ورود امام نشان دهد بنابراین تلویزیونهای مدار بسته محوطه بهشت زهرا از برد تصویر ساقط شد و زحمات جوانان برومند این شبکه سراسری بی‌ثمر ماند. ولی مردم بی‌کار نشستند و فیلمی از سخنرانی